

واکاوی معیارهای فرهنگی اجتماعی و اقلیم در معماری بومی

(مطالعه‌ی موردی: بررسی تطبیقی تکاپای تاریخی و معاصر مازندران^۱)

مرتضی حسن‌پور^۲، حسین سلطانزاده^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۵

چکیده

ویژگی‌های فرهنگی- اجتماعی و اقلیم همواره به‌عنوان دو رکن اصلی مؤثر بر شکل‌گیری معماری آیینی شناخته می‌شوند. هدف این پژوهش، ارزیابی این معیارها و بررسی میزان اهمیت هر یک از آنها می‌باشد. گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. روش پژوهش حاضر، توصیفی- پیمایشی بوده و برای بررسی اهمیت هر یک از معیارها، از نظرات خبرگان با ابزار پرسش‌نامه و تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و کمی (ترکیبی) با نرم‌افزار SPSS و طیف لیکرت انجام شده است. جامعه‌ی آماری شامل نه تکیه در مازندران در دو اقلیم کوهستان و دشت به صورت هدفمند انتخاب شدند. مطابق یافته‌های پژوهش، از "معیار فرهنگی- اجتماعی"، «آیین و مذهب» در تکاپای تاریخی (۴/۶۰) و «عقاید و باورها» و «روابط اجتماعی»، با میانگین (۴/۳۰) و (۴/۳۰) بیشترین اهمیت را در تکاپای معاصر دارند. در خصوص "معیار اقلیم" نیز «معماری بومی» با وزن (۴/۳۰) دارای بیشترین اهمیت در تکاپای تاریخی و در تکاپای معاصر نیز، زیرمعیار «آب و هوا» با وزن (۳/۵۵) دارای بیشترین اهمیت می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد که "معیار فرهنگی- اجتماعی" و "معیار اقلیم" تأثیر مثبت و معناداری بر معماری تکاپای مازندران دارند که در این بین نقش "معیار فرهنگی- اجتماعی" با اهمیت‌تر است.

واژه‌های کلیدی: تکاپای مازندران؛ فرهنگ؛ اقلیم؛ معماری بومی.

^۱ مقاله‌ی حاضر برگرفته از رساله‌ی دکتری مرتضی حسن‌پور با عنوان "نقش فرهنگ و اقلیم بر معماری فضاهای آیینی مازندران، نمونه‌ی موردی: تکاپای مازندران" و با راهنمایی دکتر حسین سلطانزاده می‌باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی نور در حال انجام است.

^۲ دانشجوی دکتری تخصصی معماری، گروه معماری، واحد نور، دانشگاه آزاد اسلامی، نور، ایران.

hassanpoor.morteza1@gmail.com

^۳ دانشیار گروه معماری، دانشکده‌ی معماری و شهرسازی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

h72soltanzadeh@gmail.com

(نویسنده‌ی مسؤل).

مقدمه و طرح مسأله

فرهنگ، پل ارتباطی انسان و جامعه است. انسان‌ها به کمک مشترکات ذهنی که زاینده‌ی فرهنگ است، قوم را به وجود می‌آورند. معماری بومی به عنوان یک عامل فرهنگی، توسط عناصر ذهنی و عینی که رابط بین اندیشه و جامعه است، شناخته می‌شود. معماری نمایش‌گر فرهنگ در فضای زیست‌بوم آدمی است (مومنی و مسعودی، ۱۳۹۵: ۷۰).

پس از گسترش مذهب تشیع در دوره‌ی صفوی، مبانی اعتقادی شیعه بیش از پیش در ایران به کار رفت؛ چنان‌که حکام و پادشاهان جهت ترویج و تبلیغ بیش‌تر این مذهب از معماری استفاده و دستور ساخت بناهای آیینی را صادر کردند. در این میان حسینیه‌ها و تکایا نیز جهت مراسم عزاداری عاشورا احداث و عناصر شیعی با رنگ و بوی ویژه در کشور مطرح گردید (انصاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

سه اصل اعتقادی طریقت صفوی (یعنی پابندی به تشیع اثنی عشری، تصوف و فرهنگ ایران باستان) نه تنها به عنوان ایدئولوژی، بلکه به عنوان سه رکن اصلی در حکومت سیاسی صفویان نیز مد نظر بوده است. ارکان ایدئولوژیک این دوره سبب وحدت ملی شده که می‌توان این دوره‌ی هنری را، سبکی ملی نامید. هنر به چنان کمالی می‌رسد که پس از آن هیچ هنرمندی نمی‌تواند در تکامل بیش‌تر آن قدم مهمی بردارد (کیانمهر و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۰۷).

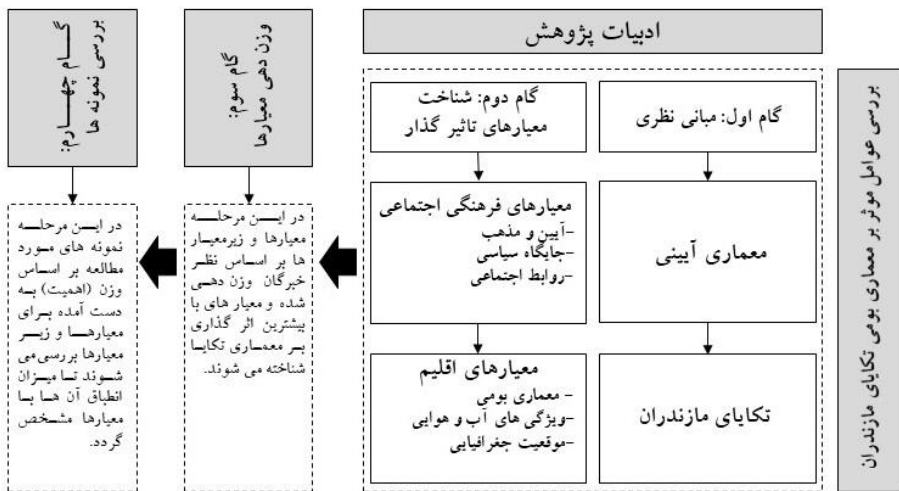
هدف از پژوهش حاضر شناخت و ارزیابی معیارهای مؤثر بر معماری بومی تکایای مازندران و ارائه‌ی مدل تحلیلی از شاخص‌های تأثیرگذار بر آن و همچنین ارزیابی این شاخص‌ها در نمونه‌های موردی تعیین شده است تا معماران بتوانند در طراحی تکایای معاصر برای خلق فضایی همساز با فرهنگ اقلیم منطقه از رهنمودهای این پژوهش استفاده کنند. پرسش‌های اصلی پژوهش حاضر را می‌توان این‌گونه مطرح کرد:

۱. معیارهای تأثیرگذار بر معماری بومی تکایای مازندران کدام‌اند؟
۲. میزان اهمیت و سهم هر کدام از معیارهای مؤثر در شکل‌گیری معماری بومی تکایا به چه اندازه بوده است؟

برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، در فرآیند پژوهش در مرحله‌ی نخست معیارها و زیرمعیارهای اصلی تأثیرگذار بر معماری تکایای بومی مازندران با توجه به ادبیات و پیشینه‌ی پژوهش مشخص گردید و در مرحله‌ی بعد، با استفاده از میانگین نظرات خبرگان و طیف لیکرت،

این معیارها و زیر معیارها امتیازدهی و از این طریق وزن و میزان اهمیت آنها مشخص شد (نمودار شماره ۱).

ضرورت و اهمیت این پژوهش به این دلیل است که حضور "معیارهای فرهنگی اجتماعی" و "معیارهای اقلیمی" در معماری بومی-آیینی که کنش‌های جمعی در آن رخ می‌دهد تبیین گردد. درواقع فرهنگ مردم مازندران نوعی سازگاری با جغرافیا، طبیعت و زیست‌بوم مازندران دارد که تبلور آن به صورت هنر آیینی در تکاپای تاریخی مشهود است. با پیشرفت تکنولوژی (گرمایش و سرمایش) و مدرنیته در معماری آیینی مدرن سبب کمرنگ‌شدن تأثیرات "معیارهای اقلیمی" شده است و همچنین "معیارهای فرهنگی" در تکاپای معاصر بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته است.



نمودار شماره ۱- یک- فرآیند پژوهش، منبع: نگارندگان

پیشینه‌ی پژوهش

از جمله پژوهش‌های مرتبط صورت‌گرفته در خصوص این موضوع می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ناری قمی، ۱۳۹۵، به بررسی الگوهای کالبدی حسینه‌ها و ریشه‌ها و تحولات آنها می‌پردازد. این مطالعه با تأکید بر شکل‌شناسی و محور قراردادن تحول تاریخی فرهنگی، به بررسی نقش عوامل فرهنگی کالبدی مؤثر در این موضوع پرداخته است.

حسینی و ذوالفقار، ۱۳۹۳، حلقه‌ی گمشده‌ی طراحی حسینه‌های معاصر با تکیه بر نمود معماری و شهرسازی اسلامی که این مقاله به بررسی اهمیت مراسم ماه محرم در فرهنگ ایرانی و تحلیل ویژگی‌های حسینه‌ها در قالب کیفیت فضایی، کیفیت بصری، نسبت درون و برون مفاهیم و نمادین می‌پردازد.

ذوقی حسینی و خسروجردی، ۱۳۹۲، معماری تکایای ایران نویسندگان در این کتاب به بررسی گونه‌ی معماری تکایا می‌پردازند و با بررسی آیین‌های نمایشی در ایران، تأثیر این آیین‌ها را بر روند پیدایش تکایا دقت می‌کنند.

کوهپیر و ذال، ۱۳۹۱، در مقاله‌های «تحلیل و گونه‌شناسی تکایای مازندران بر اساس تنوع اقلیمی و تحلیل اثرات عوامل اجتماعی دوره‌ی قاجار بر معماری تکایای مازندران» با استفاده از نرم‌افزار "spss" به بررسی جایگاه سیاسی و ساختار قدرت در تکایای حکومت‌نهاد و مردم‌نهاد پرداخته‌اند.

بزرگ‌نیا، ۱۳۸۵، تکیه‌ها و حسینه‌های ایران. نویسنده در این کتاب ابتدا به معرفی تعزیه و آیین‌های نمایشی و تکایا در ایران پرداخته و سپس به معرفی تکایا و حسینه‌های شاخص در کشور می‌پردازد.

بررسی پیشینه‌ی مربوط به موضوع نشان می‌دهد که اغلب مطالعات محدود انجام‌شده در خصوص تکایای مازندران از دیدگاه باستان‌شناسی، پژوهش هنر به تزئینات و زیبایی‌شناسی و مطالعه در خصوص معماری آن به گونه‌بندی، محدود شده است. در هیچ یک از پژوهش‌های قبلی با الویت بررسی نقش "فرهنگ" در معماری بومی و فضاهای آیینی تکایا نبوده است. پژوهش حاضر ضمن آگاهی از مطالعات انجام‌شده سعی در بررسی "معیارهای اقلیم و فرهنگ" بر معماری بومی تکایای مازندران و میزان اهمیت هرکدام از آن‌ها دارد.

مبانی نظری پژوهش

فرهنگ هر جامعه از طریق مظاهر آن مانند زبان، هنر و معماری شناسایی می‌شود و تحلیل در زمینه‌ی فرهنگ مربوط به مطالعه‌ی مظاهر فرهنگی است. معماری به عنوان موضوعی از زندگی بشر منعکس‌کننده‌ی فرهنگ موجود در هر جامعه است. مردم هر قوم ارزش‌های معنوی و جهان-بینی خودشان را با اجرای مراسم آیینی و ساخت معماری آیینی به عنوان ارزش مادی به نمایش می‌گذارند. تغییر نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی در جوامع بیش‌ترین تأثیر را در معماری بومی

دارد. بنابراین، نقش فرهنگ در این‌که معماری به چه صورت خود را متجلی سازد مهم است. معماری نمادی کامل از فرهنگ بشری است؛ به همین جهت می‌توان، نقش فرهنگ را در معماری مهم دانست.

فرهنگ هر جامعه هویت جامعه را مشخص می‌کند و معماری به عنوان پدیده‌ای اجتماعی از فرهنگ و تأثیرات آن نشأت گرفته است. معماری تصویری از فرهنگ یک ملت است که با تمام جنبه‌های زندگی بشر ادغام شده و تأثیر زیادی بر آن دارد. معماری نتایج فرهنگ و حتی رابطه‌ی فرهنگ و محیط طبیعی آن است (پرویزی، ۱۳۸۸: ۸۴).

به همین جهت می‌توان همگنی فرهنگ و معماری را با طبیعت (اقلیم و بوم) در معماری بومی مشاهده کرد (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۷).

به نظر هرمان موتسیوس^۱، معماری معیار واقعی فرهنگ یک ملت است. گروتز معتقد است که هر معماری چه یک مفهوم خوب و چه بد، یک شاهد فرهنگی است و می‌توان تجلی فرهنگ و طبیعت را در آن دید. (گروتز، ۱۳۸۶: ۵۸)

به استناد مطالعات انجام‌شده در رابطه با عوامل تأثیرگذار بر معماری بومی تکاپای مازندران، فرهنگ و معیارهای آن در دسته عوامل اولیه قرار می‌گیرند. تأثیر متقابل محیط و رفتار EBS^۲ بر یکدیگر موضوع مطالعات بسیاری از محققان بوده است که از آن جمله می‌توان به مطالعات لنگ^۳ ۱۳۸۱، الکساندر^۴ ۱۳۸۷، راپاپورت^۵ ۱۳۹۱ اشاره کرد. بنا به نظر راپاپورت فرهنگ، تأثیر مهمی بر رابطه‌ی محیط و رفتار دارد و نقش آن به روی رفتار در کالبد معماری بسیار مهم است. معماری بومی هر قوم در واقع شناسنامه‌ی اعتقادات مذهبی و باورهای عامیانه مردم آن منطقه است که شناخت آن می‌تواند بازگوکننده‌ی هویت و فرهنگ مردم آن اقلیم باشد. در پژوهش حاضر به بسط نظریه‌ی راپاپورت^۶ که نقش فرهنگ در معماری خانه و مسکن پرداخته بود، می‌پردازیم. او معتقد است که معماری مسکن فراتر از سرپناه و فراتر از پاسخی به کارکردهای آشکار و ظاهری انسان

¹ Hermann Muthesius

² Jorg Kurt Grutter

³ EBS: Environment – Behavior Studies

⁴ Jon Lang

⁵ Christopher Alexander

⁶ Amos Rapoport

⁷ Amos Rapoport

می‌باشد. در این پژوهش به مقایسه‌ی تطبیقی "معیار اقلیم (نیاز مادی)" و "معیار فرهنگی اجتماعی (نیاز معنوی)" در معماری آیینی تکایا در دو اقلیم به عنوان فضایی که کاربرد آن در «زمان» مشخص (ایام محرم) می‌باشد، پرداخته شده است.

معماری آیینی تکایا

معماری پدیده‌ای انسانی است که از اجتماع تأثیر بسیاری می‌پذیرد. مذهب، سنت، اعتقادات، اقلیم و جهان‌بینی افراد در معماری هر منطقه مؤثر است (قرخلو و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۶)؛ ظهور آیین‌های عزاداری عاشورای حضرت امام حسین (ع) از زمان دیلمیان در ایران و عراق رسمیت یافت. طبق تحقیق نویسنده‌ی فرانسوی ژان کالمار^۱ از زمان شاه عباس اول به صورت یک رسم درآمد (کاظمی موسوی، ۱۳۹۷: ۱۷۳).

در دوره‌ی قاجاریه به عزاداری در ماه محرم توجه بسیار می‌شد. به‌خصوص که دستگاه حکومتی نیز در این کار شرکت می‌کرد و مجالس باشکوهی برای عزاداری برپا می‌کردند. از ویژگی‌های مهم این عصر پیشرفت و اقبال تعزیه می‌باشد و از آن‌جاکه ناصرالدین‌شاه در سفرهای خود به اروپا از تماشاخانه‌های آن‌جا بسیار دیدن می‌کرد و به برنامه‌های نمایشی علاقه‌ی زیاد داشت، در ایران نیز به این کار بسیار توجه کرد (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۱۷۳).

اصطلاح تکیه تنوع گسترده‌تری از بناها را شامل می‌شود. در معماری اسلامی ایران اصطلاح تکیه به سه نوع بنا اطلاق می‌گردد: ۱. خانقاه و بناهای مربوط به درویشان و صوفیان؛ ۲. تعدادی از بناهای آرام‌گاهی که در ارتباط با دراویش و صوفیان قرار دارد؛ ۳. مکان‌های عزاداری و سوگواری و تعزیه که کارکردشان با حسینیه مشابهت دارد (ملازاده و محمدی، ۱۳۸۱: ۱۵). فرهنگ و باورهای مردم در ارتباط با تکایا از نظر مفهوم و محتوا با الهام از واقعه‌ی کربلا انتخاب می‌شده و مراسم تعزیه در آن‌جا صورت می‌گرفته است. به تدریج، با نهادینه‌شدن مراسم تعزیه و روضه‌خوانی و عزاداری در ایام محرم، بر اهمیت و اعتبار تکایا افزوده شد. از آن پس این بناها به‌صورت بنای کالبدی مستقلی درآمدند و بخشی از عناصر شهر اسلامی - ایرانی قلمداد شدند (مختاباد و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

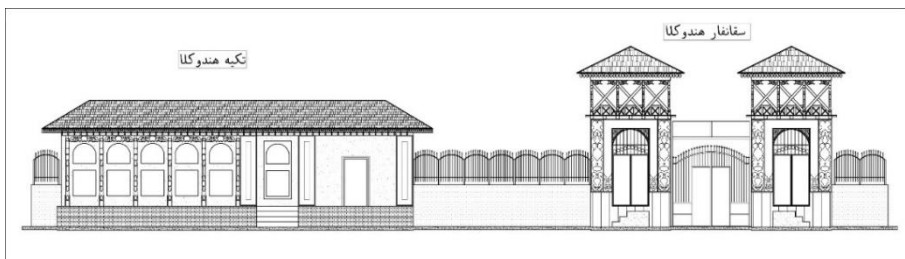
¹ Jean Calmard

تکایای مازندران

فرهنگ و آیین مردم مازندران از پرستش عناصر طبیعت، ادیان یکتاپرستی تا ورود اسلام به ایران و پذیرفتن شیعه‌ی دوازده امامی تحول داشته است. مراسم یادبود شهادت اسوه‌ی آزادگی، امام سوم شیعیان، در قالب تعزیه به عنوان شکلی از نمایش آیینی در فضاهای جمعی برای عرض ارادت به ساحت اهل بیت (ص) برگزار می‌شد (حسن‌پور و سلطان‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۵۸). تکایای مازندران در یک مجتمع مذهبی در محوریت فضا قرار گرفته و دیگر عناصر مذهبی در کنار آن شکل می‌گیرد. تزئینات تکایا از منبت، مقرنس چوبی، آجرکاری و گچ‌کاری تشکیل می‌شد و در زیر پیش‌آمدگی سقف شیروانی از ردیف سرشیرهای چوبی بر روی ستون‌های چهار تراش گرد بهره می‌برند (موسوی کوهپر و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۶).

تکایا در مازندران مطابق اصول بنیادین معماری سنتی ایران برگرفته از خصایصی چون هندسه، نشانه، معراج، وحدت در کثرت، سادگی، درون‌گرایی که با منطق، فلسفه، عرفان و «شریعت»، «طریقت» و «حقیقت» همه را گرداگرد خود آورده است و تحت تأثیر عقاید مذهب شیعه با پای-بندی به اصول امامت، ولایت، اجتهاد، سلسه‌مراتب وجود به عالم مثال در ساختار هویت‌بخش تکایا به عنوان معماری مقدس شیعه تبلور یافته است. از جمله عناصر این تکایا می‌توان به حسینیه، ابوالفضل، زینبیه، سقاخانه، مهدیه، سقائفار، علم‌خانه، تعزیه‌خانه، مکتب‌خانه، شفاخانه، ورودی اشاره نمود (حسن‌پور و سیدیان، ۱۳۹۴: ۱۱۰).

مردم مازندران معتقدند که تکیه نمادی از حضرت امام حسین (ع) و سقائفار نمادی از حضرت ابوالفضل (ع) می‌باشد. این نمادگرایی رابطه‌ی مستقیمی با کاربری بنا دارد (شکل شماره ۱).



شکل شماره ۱- یک- تکیه و سقائفار هندوکلا، منبع: نگارندگان

بررسی معیارهای تأثیرگذار بر معماری بومی تک‌ایای مازندران

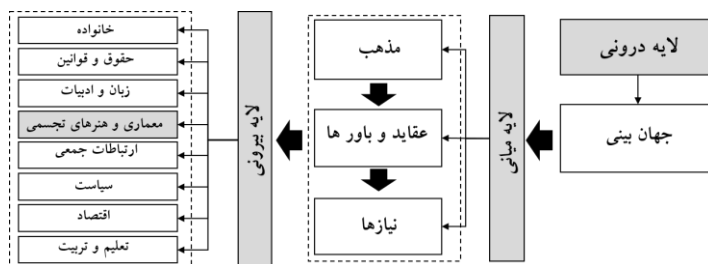
در نفس معماری بومی دو گونه پیوند اساسی جای دارد: ۱) پیوند با طبیعت (محیط طبیعی) (۲) پیوند با قوانین (محیط فرهنگی). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری معماری بومی عبارتند از: ۱. فرهنگ ۲. طبیعت ۳. اقتصاد ۴. اجتماع (رفیعی، ۱۳۹۰: ۵۶).

بررسی پیشینه و ادبیات موضوع و مطالعات اسنادی و مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که این معیارها را می‌توان در دو دسته‌ی کلی "معیار اقلیمی" و "معیار فرهنگی - اجتماعی" دسته‌بندی کرد.

معیار فرهنگی اجتماعی

در خصوص تعریف فرهنگ، دیدگاه‌های بسیار فراوان و متنوعی وجود دارد. در یک جمع‌بندی کلی، فرهنگ به‌عنوان نظامی نگریسته شده که می‌توان آن‌ها را در دو رده‌ی کلی دسته‌بندی کرد: سطح اول یا سطح بیرونی مربوط به مظاهر فرهنگ هستند که در عرصه‌های مختلف زندگی نمود پیدا می‌کند و سطح دوم مربوط به مشترکات اشاره شده است که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان عناصر محتوایی یا لایه‌های درونی فرهنگ یاد کرد (یزدان‌فر و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰).

فرهنگ دارای لایه‌های درونی (فرهنگ معنوی) و لایه‌های بیرونی (فرهنگ مادی)، به هم پیوسته است که درونی‌ترین سطح آن باورها و ارزش‌هایی هستند که منتج از نوع جهان‌بینی مردم در جوامع مختلف می‌تواند متفاوت باشد و در بیرونی‌ترین سطح آن مظاهر فرهنگ نمود پیدا می‌کند. در این رابطه جهت شناخت معیارهای مؤثر بر معماری بومی تک‌ایای مازندران به‌عنوان یکی از وجوه بیرونی و عینی فرهنگ، لازم است لایه‌های درونی آن شناخته شود که در ادامه به‌طور خلاصه به این موضوع پرداخته می‌شود (نمودار شماره ۲).



نمودار شماره‌ی دو- لایه‌بندی "معیار فرهنگی - اجتماعی" در ارتباط با زندگی، منبع: نگارندگان.

-آیین و مذهب

فرهنگ و باورهای دینی هر قوم در کالبد معماری و سرزمینشان بروز داشته است. برگزاری آیین‌های جمعی قواعد خاصی را به‌جای گذاشت که مستقل از تأثیر عوامل محیطی می‌باشد؛ مجموعه مفاهیم نمادین و حرکات آیینی در شکل‌گیری فضای معماری تکایا تأثیرگذار بوده است- (پاسدار شیرازی و صادقی، ۱۳۹۴: ۳۰۲). آیین روز برف چال و آیین روز زن شاهی در یک روز با همکاری دو طایفه‌ی اسک و طایفه‌ی سادات نیاکی یکی از روزهای آیینی لاریجان است که به همت سیدحسین ولی جد طایفه‌ی نیاک بنیان‌گذارده شد. در تحلیل مردم‌شناسانه شش ویژگی در او نهفته است. او را مرجع، نخبه و از نوادر زمانه، تاریخ و ادبیات فراتر از زمان خود می‌دانند (سعیدی شاهاندشتی، ۱۳۹۱: ۳۲).

-جایگاه سیاسی

در دوران صفوی خانقاه و لنگرگاه درویشان و صوفیان تخریب و به‌جای آن تکایا برپا گردید (کاظمی موسوی، ۱۳۹۷: ۱۷۳). بناهای مذهبی در انعکاس جایگاه سیاسی اصحاب قدرت بیانی گویا داشته‌اند؛ بنابراین، استفاده از بیان معماری برای ابراز موجودیت سیاسی توسط عاملان حکومتی، موجب پدید آمدن تکایایی شد که می‌توان آن‌ها را تکایای «حکومت‌نهاد» نامید. در مقابل تکایای حکومت‌نهاد، تکایای «مردم‌نهاد» قرار دارند که توسط عامه‌ی مردم ساخته می‌شدند (موسوی کوهپر و ذال، ۱۳۹۱: ۱۴). الگوها، عناصر، فرم و تزئینات به‌کاررفته در این دو گونه تفاوت‌های زیادی نسبت به یکدیگر دارند. تکایای مازندران، نمونه‌ای گویا از حکومت صفوی و قاجار جهت استفاده‌ی بیان معماری برای ابراز موجودیت سیاسی توسط عاملان حکومتی می‌باشد. دربار قاجار روی خوانین اسک لاریجان حساب ویژه‌ای داشتند. خاندان خان اسکی بیش‌تر ریاست‌طلب و سیاست‌مدار بودند. اردوگاه و اسیرگاه اسک لاریجان حاکی از این موضوع است. کار اساسی خوانین اسک لاریجان احداث بناهای مذهبی شیعه بود. در زمان قاجار توسط سرداران لاریجان سه تکیه به‌عنوان "تکیه‌ی سرداریه" در مکان فعلی "تکیه‌ی اوجی‌آباد" و "اسک‌آمل" و "نیاکی محله‌آمل (حسینیه‌ارشاد)" ساخته شد که در حال حاضر فقط "تکیه‌ی تاریخی اوجی‌آباد" باقی‌مانده است (سعیدی شاهاندشتی، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

- عقاید مذهبی و باورهای عامیانه

مشترکات فرهنگی که در بین عموم مردم جامعه از باورهای عامیانه به سطوح مختلف زندگی آن‌ها جهت داده، به اعتقادات مذهبی تبدیل شده و از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کند. در واقع آنچه رفتارهای فردی و اجتماعی انسان را می‌سازد متأثر از نگرش فرهنگی است (خاک‌پور و شیخ احمدی، ۱۳۹۰: ۲۳۲).

مردم مازندران در فرهنگ اعتقادی‌شان نگرش خاصی به بناهای آیینی، به‌خصوص تکایا داشته‌اند. این نگرش بیش‌تر حاصل پیوند آیین‌های باستانی با دین و مذهب در ادوار تاریخی با فرهنگ-شان است. در ادامه به‌صورت مختصر مواردی از این عقاید و باورها که به نظر می‌رسد بر معماری تکایا مؤثر بوده معرفی می‌گردد.

سقانفارها در مجموعه تکایا، گونه‌ای از معماری بومی هستند که مراسم آیینی منطقه‌ی مازندران در آن اجرا می‌شود که نخست تحت تأثیر نیازهای مردم (نفار) ساخته شده و تحت تأثیر عقاید و باورهای مردم به‌گونه‌ای دیگر (سقانفار) درآمده است. اما مطلب مهم در این میان، نگرش باستانی ایرانیان به آب است (علی‌جانی، ۱۳۸۴: ۱۷) که در آیین‌های مهر، آناهیتا و کیش زرتشت دیده می‌شود. سقانفارها حکایت از باورهای مردم به ایزد بانوی آب‌ها می‌کند؛ گرچه در دوران اسلامی عملکرد دیگری را مردم به‌عنوان نمادی از سقای دشت کربلا-حضرت عباس(ع) برای آن متصورند (رفیعی، ۱۳۹۰: ۵۷).

عقاید و باورهای مردمان این منطقه را می‌توان در نقش مایه‌ها، نگاره‌ها، مضامین و نمادهای عناصر معماری تکایا جست‌وجو کرد. این نقش‌ها شامل مضمون‌های «اساطیری ایران باستان-زرتشتی»، «مذهبی»، «شاهنامه‌ای»، «صورت‌های فلکی»، «موجودات افسانه‌ای» هستند و بر این فرض استوار است که عقاید و باورهای زنده در جامعه بر هنرمند برای خلق این آثار تأثیر گذاشته است (رستمی و باباجان تبار، ۱۳۹۳: ۹۵).

- روابط اجتماعی

حضور زنان در شهرهای شمالی در قامت کار در زمین‌های کشاورزی برای تأمین مخارج خانواده امری پذیرفته است؛ بنابراین منطقه‌ی جغرافیایی و شیوه‌ی معیشت، مفهوم جنسیت را در شمال ایران دگرگون ساخته است (ورمقانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۸). با هرچه نمایشی‌تر شدن تعزیه، در عناصر معماری تکایا به تدریج دخل و تصرف شد تا در هماهنگی با قوانین اجرای نمایش در-

آید. در گذشته جایگاه تماشاگران بر اساس جنسیت و گاه ثروت تعیین می‌شد، اما در حال حاضر، معمولاً تنها عامل تعیین‌کننده جنسیت است. در صورتی که تکیه دوطبقه داشته باشد، طبقه‌ی بالا مختص زنان و کودکان بود (نعمت طاوسی، ۱۳۹۲: ۴۰).

زنان با مشارکت در مراسم محرم و برگزاری تعزیه‌خوانی زنانه و روضه‌خوانی و نذر دادن بر ضرورت حضور خود در کنش‌های اجتماعی مهر تأیید زدند. نقش‌آفرینی زنان در ارتباط عمیق معنوی با بزرگان دینی همچون حضرت فاطمه (س) و حضرت زینب (س) و تعلیم و تربیت کودکانشان در تداعی تعصب و پای‌بندی به آیین محرم از عوامل برجسته‌ی رواج مراسم تعزیه است (واسعی و اسکندری، ۱۳۹۲: ۱۳۰). در دوره‌ی قاجار فعالیت زنان در عرصه‌ی اجتماع بیش‌تر شد و همواره در تکایا مکانی برای بانوان در نظر گرفته می‌شد که آن را در حسینیه‌های اصفهان به‌وضوح می‌بینیم. اما در مازندران این نکته آن‌قدر قابل‌توجه نبوده که فضایی مختص بانوان به وجود آید (شکل شماره‌ی ۲ و ۳).



شکل شماره‌ی دو- تکیه کردکلا (www.bandpay.ir) شکل شماره‌ی سه- تکیه مقری کلا (www.bandpay.ir)

رعایت سلسله‌مراتب فضایی با توجه به نحوه‌ی ارتباط فضاها و جایگاه افراد مشخص است که در تکایای حکومتی مورد توجه قرار دارد و هر غرفه می‌تواند متعلق به یک خاندان، فرقه یا قشر اجتماعی باشد. نمونه‌ای از این تقسیمات را می‌توان در تکایای زواره و مازندران (تکیه‌ی رینه‌ی لاریجان) ملاحظه کرد (ناری قمی، ۱۳۹۵: ۲۹).

رعایت اصل محرمیت در تکایای مازندران با توجه به شرایط فرهنگی اجتماعی از شرایط ویژه‌ای برخوردار بوده است. در مشارکت جمعی سوگواری محرم، زنان در کارهای جمعی، پخت غذای نذری، ساختن عناصر تزئینی تعزیه‌ی حضرت قاسم (ع) برای حجله‌ی عروسی و پوشاندن لباس شبیه علی اصغر (ع) بر تن نوزادان، نقش مهمی در انعکاس این حادثه ایفا می‌کنند؛ چراکه در معماری یک سویه‌ی برون‌گرای تکایای تاریخی، محرمیت نقش کم‌رنگی نسبت به معماری

دوسویه‌ی برون‌گرا- درون‌گرا دارد؛ ولی تجلی آن را می‌توان در تکایای معاصر با حیاط مرکزی در مرزبندی مشخص محل استقرار زنان در فضاهای خصوصی زنانه (زینبیه، فاطمیه، عصمتیه) و در نظر گرفتن اشکوبه‌ی دوم برای آنان مشاهده کرد.

معیار اقلیم

عوامل مؤثر در هویت مکانی عبارتند از: عوامل طبیعی و عوامل مصنوعی؛ که عوامل طبیعی خود به سه دسته‌ی آب، زمین، شرایط اقلیمی و پوشش گیاهی؛ و عوامل مصنوعی به چهار دسته‌ی عوامل اجتماعی- فرهنگی، مذهبی، عوامل اقتصادی و سیاسی، تکنولوژی تقسیم می‌شوند. عامل آب: بارندگی (باران و برف)، آب‌های زیرزمینی، آب‌های سطحی.

عامل زمین: مرفولوژی، جنس و مقاومت زمین، حاصل‌خیزی خاک، قابلیت نفوذ.

شرایط اقلیمی: درجه‌ی حرارت، تابش آفتاب، باد و رطوبت.

پوشش گیاهی: جنگل‌ها، مراتع، مزارع (معطوفی، ۱۳۹۴: ۶۷۳).

هویت فرهنگی مسلمانان در کشورهای مختلف در کنار اقلیم و عوامل محیط طبیعی هر منطقه منجر به شکل‌گیری فرم معماری فضاهای آیینی شده است (Avcioglu, 2007:110).

-معماری بومی

معماری بومی با توجه به اقلیم قصد دارد فرهنگ موجود را حفظ کند. پایداری اجتماعی بر معماری بومی تأکید می‌کند. روابط حمایتی متقابلی بین فرهنگ و محیط وجود دارد که این مقوله می‌تواند "بوم-فرهنگی" نامیده شود که از طریق اتخاذ شناخت معماری منطقه‌ای و بومی می‌تواند به پایداری فرهنگی دست یافت (Kultur, 2012:265).

درواقع آن‌گونه از معماری است که از درون جامعه رشد می‌کند و طی زمان با شرایط اجتماعی، طبیعت و نحوه‌ی زندگی انسان تکامل می‌یابد. معماری بومی، معماری توسط مردم و معماری برای مردم است. معماری بومی، معماری عامیانه، معماری بدون معمار (مردم‌نهاد) در برابر معماری یادمانی، معماری رسمی و معماری عمومی (دولت‌نهاد) قرار داده شده است.

-موقعیت جغرافیایی

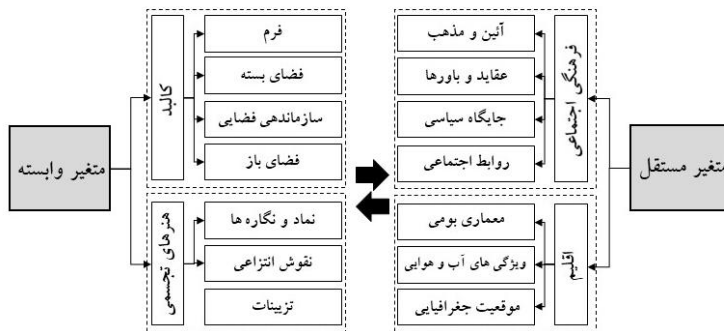
حداکثر ارتفاع استان مازندران ۵۵۹۵ متر و حداقل ارتفاع استان ۵۳- از سطح دریاهای آزاد می‌باشد. بدین صورت که با افزایش ارتفاع در مناطق کوهستانی مرتفع، تنش‌های سرمای و بارش برف غالباً تأثیرگذارند و هرچه از جنوب استان به شمال پیش می‌رویم با کاهش ارتفاع، از تنش-

های سرمایه کاسته می‌شود (رورده و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۰۰).

- ویژگی‌های آب و هوایی

در سواحل جنوبی دریای خزر "بارش" به‌عنوان مهم‌ترین عنصر اقلیمی از توزیع زمانی و مکانی پیچیده‌ای برخوردار است. "موقعیت جغرافیایی" منحصربه‌فرد این منطقه که از یک سمت دریای خزر و از سمتی دیگر رشته‌کوه البرز و "توپوگرافی" آن سبب ساختار بارش شده که معماری بومی را تحت تأثیر قرار داده است (جانباز قبادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۳).

در این پژوهش متغیرهای وابسته در دو بخش (کالبد و هنر تجسمی) و متغیرهای مستقل در دو بخش (فرهنگی اجتماعی و اقلیمی) می‌باشد که متغیر مستقل "فرهنگی اجتماعی" دارای چهار زیرمعیار (آیین و مذهب، عقاید مذهبی و باورهای عامیانه، جایگاه سیاسی، روابط اجتماعی) و متغیر مستقل "اقلیم" دارای سه زیرمعیار (معماری بومی، ویژگی آب و هوایی و موقعیت جغرافیایی) می‌باشد (نمودار شماره ۳).



نمودار شماره ۳- مدل نظری پژوهش، منبع: نگارندگان.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در سه مرحله اصلی انجام شده است. در **مرحله اول**، ادبیات پژوهش با روش کیفی، به صورت توصیفی تحلیلی به کمک مطالعات کتاب‌خانه‌ای و اسنادی، مورد بررسی قرار گرفت. تا از این گذر، معیارهای مورد نظر با توجه به مطالعات و تأکیدات پیشین، استخراج گردد.

در **مرحله دوم**، معیارهای استخراج‌شده، توسط خبرگان، با روش پژوهش پیمایشی، به‌صورت تطبیقی (تکاپای تاریخی و معاصر) امتیازدهی و وزن‌دهی شد.

ابزار مورد استفاده در این بخش، پرسش‌نامه می‌باشد و جهت تحلیل پرسش‌نامه‌های

جمع‌آوری شده از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شد.

جهت گردآوری اطلاعات و امتیازدهی به معیارها و زیرمعیارها و همچنین نمونه‌ها در این مرحله، از نظرات خبرگان استفاده گردید. خبرگان منتخب، شامل ده نفر از خبرگان در رشته‌های معماری و باستان‌شناسی و پژوهش هنر و جامعه‌شناسی انتخاب شدند که دارای مطالعات اصیل و جامع در خصوص تکایای مازندران بودند. در ادامه پرسش‌نامه که بر اساس معیارها، زیرمعیارها و نمونه‌ها طراحی شده بود در اختیار خبرگان قرار گرفت و از آنان خواسته شد که طبق طیف لیکرت (پنج قسمتی) میزان اهمیت و تأثیر هر یک از معیارهای معرفی شده را در معماری تکایای مازندران مشخص کنند.

مرحله‌ی سوم، معیارهای انتخابی در جامعه‌ی نمونه به کمک مشاهدات میدانی مورد تحلیل و تجزیه به صورت کیفی و کمی (ترکیبی) انجام شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش، تکایای مازندران می‌باشد و جامعه‌ی نمونه نیز، تکیه‌ی اسک لاریجان، نیاک لاریجان، رینه‌ی لاریجان (کوهستان-بیلاق) و تکیه‌ی اسک آمل، نیاک آمل، آملی (شهر-قشلاق) و تکیه‌ی اوجی آباد، فیروزکلا و هندوکلا (روستا-قشلاق) می‌باشد.

جهت انتخاب تکایا، از دو دسته تکایای تاریخی و معاصر در دو جغرافیای متفاوت (کوهستانی و دشت) انتخاب شدند تا نتایج و یافته‌های پژوهش قابلیت تعمیم داشته باشد، از این رو به صورت نمونه‌گیری هدف‌دار، جامعه‌ی نمونه انتخاب گردید.

یافته‌ها

میانگین امتیاز خبرگان در مورد تأثیر هر یک از معیارهای مورد مطالعه

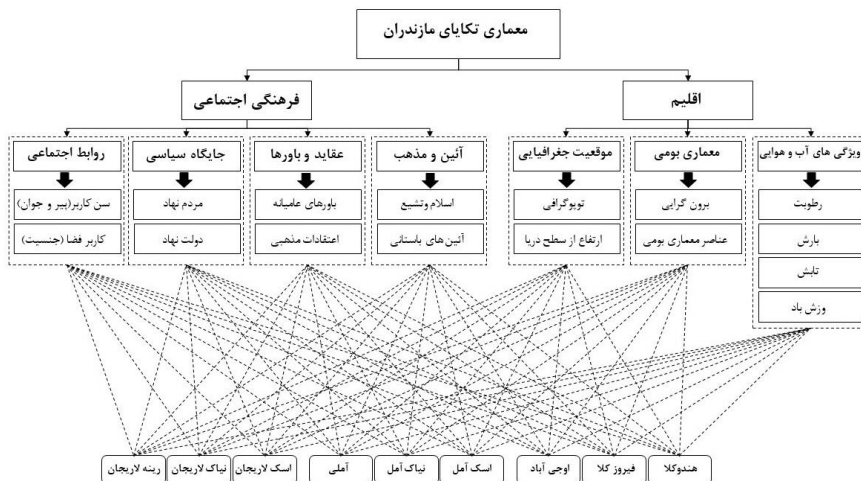
در این گام دو هدف مد نظر است. ابتدا اولویت‌بندی معیارها و زیر معیارهای مؤثر بر معماری بومی تکایای مازندران و دوم این مدل در نمونه‌های مختلف به میزان بررسی تأثیر هر یک از معیارها بر معماری تکایا ارزیابی گردید.

جامعه‌ی آماری پژوهش، تکایای مازندران می‌باشد و جامعه‌ی نمونه نیز تکیه‌ی اسک لاریجان، نیاک لاریجان، رینه‌ی لاریجان (کوهستان-بیلاق) و تکیه‌ی اسک آمل، نیاک آمل، آملی (شهر-قشلاق) و تکیه‌ی اوجی آباد، فیروزکلا و هندوکلا (روستا-قشلاق) می‌باشد (جدول شماره‌ی ۱).

			منطقه دشت و جلگه روستا - قشلاق شمال مازندران
تکیه تاریخی هندوکلا	تکیه تاریخی اوجی آباد	تکیه تاریخی فیروزکلا	
			منطقه دشت و جلگه شهر - قشلاق شمال مازندران
تکیه معاصر طایفه املی (هدایت)	تکیه معاصر نیاک امل (ارشاد)	تکیه معاصر اسک امل	
			منطقه کوهستان بیلاق جنوب مازندران
تکیه معاصر اسک لاریجان	تکیه معاصر نیاک لاریجان	تکیه معاصر رینه لاریجان	

جدول شماره‌ی یک - مطالعه‌ی موردی تکابای تاریخی و معاصر امل، منبع: نگارندگان.

نمودار شماره‌ی ۴ مشخص‌کننده‌ی میانگین امتیاز خبرگان در خصوص معیارهای مؤثر بر معماری تکابای مازندران (تاریخی و معاصر) در دو اقلیم کوهستان (بیلاق) و دشت (قشلاق) و در سه سطح شاخص‌ها، معیارها و زیرمعیارها است.



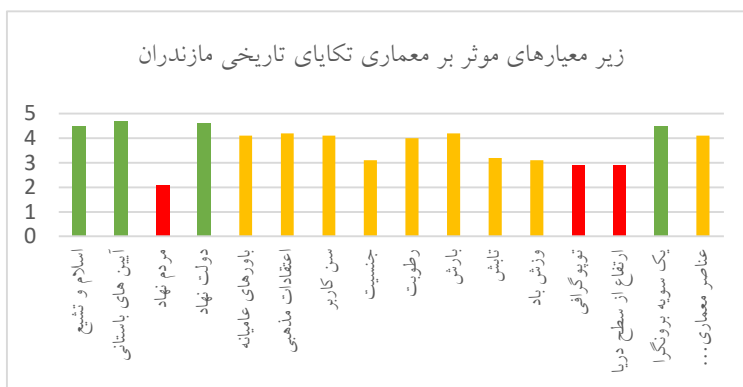
نمودار شماره‌ی چهار - ارتباط معیارها، زیرمعیارها و تکابای مورد مطالعه، منبع: نگارندگان.

جدول ۲ - میانگین اهمیت هر یک از شاخص‌ها، معیارها و زیر معیارها بر اساس نظر خبرگان، منبع: نگارندگان.

معیار	وزن معیار		وزن زیر معیارها		زیر معیارها	وزن زیر معیارها	
	تاریخی	معاصر	تاریخی	معاصر		تاریخی	معاصر
فرهنگی اجتماعی	۳/۹۲	۴/۷۰	۴/۶۰	۳/۹۵	آیین و مذهب	اسلام و تشیع	۴/۵۰
						آیین‌های باستانی	۴/۰۰
			جایگاه سیاسی	۳/۳۵	۳/۷۵	مردم‌نهاد	۲/۱۰
						دولت‌نهاد	۴/۶۰
			عقاید و باورها	۴/۱۵	۴/۳۰	باورهای عامیانه	۴/۱۰
						اعتقادات مذهبی	۴/۵۰
			روابط اجتماعی	۳/۶۰	۴/۳۰	سن کاربر	۴/۱۰
						جنسیت	۳/۱۰
اقلیم	۳/۶۰	۲/۸۸	۳/۶۲	۳/۵۵	ویژگی‌های آب و هوایی	رطوبت	۴/۰۰
						بارش	۴/۲۰
						تابش	۳/۲۰
						وزش باد	۳/۱۰
			موقعیت جغرافیایی	۲/۹۰	۳/۰۰	توپوگرافی	۲/۹۰
						ارتفاع از سطح دریا	۳/۰۰
			معماری بومی	۴/۳۰	۲/۱۰	یک‌سویه برون-گرا	۴/۵۰
عناصر معماری بومی	۴/۱۰						

بر اساس نظر خبرگان در مورد تأثیر عوامل فرهنگی- اجتماعی و اقلیم در معماری تکایای مازندران که در شکل ۷ به آن‌ها اشاره گردید، می‌توان به این نتایج دست‌یافت که عوامل فرهنگی- اجتماعی دارای تأثیر بیش‌تری (۳/۹۲) نسبت به عامل اقلیم (۳/۶۰) بر معماری تکایای مازندران بوده‌اند و به‌طورکلی هر یک از شاخصه‌های مورد بحث، دارای تأثیر و امتیاز متفاوتی در تکایای تاریخی و معاصر بوده‌اند.

طبق نظر خبرگان، از مجموع زیرشاخصه‌های مربوط به شاخص فرهنگی-اجتماعی، در تکایای تاریخی مازندران معیار «آیین و مذهب» با میانگین ۴/۶۰ دارای بیش‌ترین اهمیت از نظر خبرگان می‌باشد. بعد از معیار آیین و مذهب، معیار «عقاید و باورها» با وزن ۴/۱۵ بیش‌ترین اهمیت را از نظر خبرگان داشت. «روابط اجتماعی» و «جایگاه سیاسی» معیارهایی بودند که به ترتیب با وزن‌های ۳/۶۰ و ۳/۳۵ تأثیر کم‌تری را بر معماری تکایای مازندران از نظر خبرگان داشتند. طبق نظر خبرگان، از مجموع معیارهای مربوط به شاخص اقلیم، در تکایای تاریخی معیار «معماری بومی» با میانگین ۴/۳۰ دارای بیش‌ترین تأثیر بر معماری تکایای مازندران بوده است. در ادامه نیز معیارهای «ویژگی آب و هوایی» و «موقعیت جغرافیایی» با وزن‌های ۳/۶۲ و ۲/۹۰ از نظر خبرگان دارای اهمیت می‌باشد.

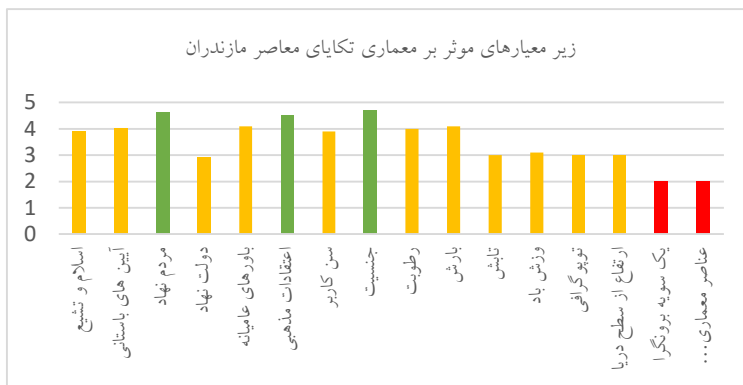


نمودار شماره‌ی پنج- میانگین امتیاز زیرمعیارها در تکایای تاریخی از نگاه خبرگان، منبع: نگارندگان.

بررسی امتیاز زیرمعیارها همچنین مشخص کرد از میان زیرمعیارهای مؤثر بر معماری تکایای تاریخی مازندران، زیرمعیارهای «تأثیر آیین‌های باستانی»، «وجود تأثیرات دستگاه‌های دولتی و تکایای دولت نهاد»، «تأثیر اسلام و تشیع» و وجود الگوهای «یک‌سویه برون‌گرا» به ترتیب با وزن‌های ۴/۷۰، ۴/۶۰، ۴/۵۰ و ۴/۵۰، بیش‌ترین اهمیت را بر معماری تکایای مازندران از نظر خبرگان دارند. همچنین بررسی نظرات خبرگان مشخص کرد که زیرمعیارهای «وجود تکایای مردم‌نهاد» با وزن ۲/۱۰ کم‌ترین اهمیت و بعد آن زیرمعیارهای «توپوگرافی» و «ارتفاع از سطح دریا» با وزن ۲/۹۰ کم‌ترین اهمیت را در معماری تکایای تاریخی مازندران دارند.

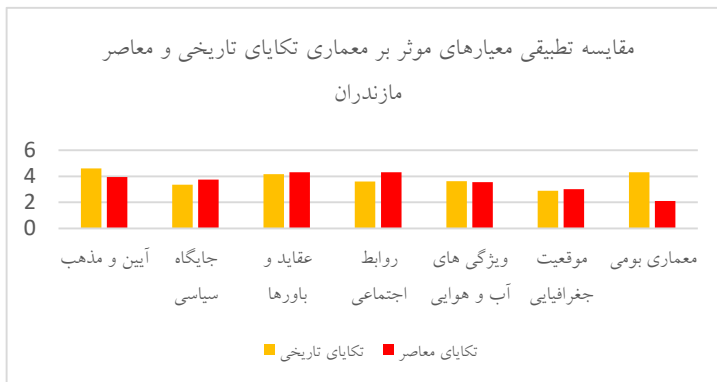
طبق نظر خبرگان، از مجموع زیرشاخصه‌های مربوط به شاخص اقلیم، در تکایای معاصر معیارهای «روابط اجتماعی» و «عقاید و باورها» با میانگین ۴/۳۰ دارای بیش‌ترین اهمیت از نظر خبرگان می‌باشند. بعد این معیارها، معیارهای «آیین و مذهب» و «جایگاه سیاسی» به ترتیب با وزن‌های ۳/۹۵ و ۳/۷۵ بیش‌ترین اهمیت را از نظر خبرگان داشتند.

طبق نظر خبرگان، از مجموع معیارهای مربوط به شاخص اقلیم، در تکایای معاصر مازندران، به ترتیب معیارهای «ویژگی‌های آب‌وهوای» با میانگین ۳/۵۵، موقعیت جغرافیایی با میانگین ۳ و الگوی معماری بومی با میانگین ۲/۱۰ بیش‌ترین اهمیت را داشته‌اند.



نمودار شماره‌ی شش- میانگین امتیاز زیرمعیارها در تکایای معاصر از نگاه خبرگان، منبع: نگارندگان.

بررسی امتیاز زیرمعیارها همچنین مشخص کرد از میان زیر معیارهای مؤثر بر معماری تکایای معاصر مازندران، زیرمعیارهای «جنسیت»، «وجود تکایای مردم‌نهاد» و «اعتقادات مذهبی» به ترتیب با وزن‌های ۴/۷۰، ۴/۶۰، ۴/۵۰ بیش‌ترین اهمیت را بر معماری تکایای معاصر مازندران از نظر خبرگان دارند. همچنین بررسی نظرات خبرگان مشخص کرد که زیرمعیارهای «وجود الگوهای یک‌سویه برون‌گرا» با وزن ۲/۰۰ و «الگوهای معماری بومی» با وزن ۲/۰۰ کم‌ترین اهمیت را در معماری تکایای معاصر مازندران دارند. در نمودار شماره‌ی ۷ تأثیر هر یک از معیارهای شاخص‌های فرهنگی- اجتماعی و شاخص اقلیم مورد قیاس قرار گرفته‌اند.



نمودار شماره‌ی هفت- مقایسه‌ی میانگین امتیاز معیارها در تکایای تاریخی و معاصر از نگاه خبرگان، منبع: نگارندگان.

میانگین امتیاز نمونه‌های مورد مطالعه بر اساس معیارها

در این گام به بررسی میزان انطباق معیارهای مؤثر بر معماری تکایای در نمونه‌های موردی پرداخته می‌شود. این نمونه بر اساس تاریخی و معاصر بودن تکایا و قرارگیری آن‌ها در سه منطقه‌ی جغرافیایی انتخاب شده‌اند. بررسی وضعیت انطباق معیارها در هر یک از این نمونه‌ها می‌تواند تأییدی بر نظر خبرگان در خصوص اهمیت هر یک از معیارها در تکایای تاریخی و معاصر باشد. امتیاز این قسمت نیز بر اساس میانگین امتیازات داده‌شده برحسب طیف لیکرت محاسبه گردیده است.

جدول شماره‌ی سه- وزن نمونه‌های مورد مطالعه برحسب زیرمعیارها، منبع: نگارندگان.

معیارها	زیرمعیارها	زیر- زیرمعیارها	نمونه‌ها								
			تکایای معاصر (کوهستان)			تکایای معاصر (شهر)			تکایای تاریخی (روستا)		
			اسک لاریجان	نیاک لاریجان	رینه لاریجان	اسک آمل	نیاک آمل	آملی	هندوکلا	فیروزکلا	اوجی‌آباد
آیین و مذهب	و	اسلام و تشیع	۴,۱۰	۴,۷۰	۴,۷۰	۴,۲۰	۴,۷۰	۳,۲۰	۴,۷۰	۴,۷۰	۴,۵۰
		آیین‌های باستانی	۴,۷۰	۴,۵۰	۳,۱۰	۴,۰۰	۳,۰۰	۳,۱۰	۳,۲۰	۴,۱۰	۴,۱۰
جایگاه سیاسی		مردم نهاد	۴,۶۰	۴,۵۰	۴,۵۰	۴,۰۰	۴,۱۰	۴,۷۰	۲,۲۰	۲,۰۰	۲,۲۰
		دولت نهاد	۲,۲۰	۲,۲۰	۲,۳۰	۴,۱۰	۴,۰۰	۲,۱۰	۴,۵۰	۴,۷۰	۴,۷۰
عقاید و باورها		باورهای عامیانه	۳,۹۰	۳,۱۰	۳,۰۰	۴,۷۰	۳,۲۰	۳,۲۰	۴,۰۰	۳,۹۰	۴,۰۰
		اعتقادات مذهبی	۴,۱۰	۴,۱۰	۴,۵۰	۳,۹۰	۴,۵۰	۴,۱۰	۳,۹۰	۴,۰۰	۴,۵۰
روابط اجتماعی		سن کاربر	۴,۰۰	۲,۹۰	۳,۲۰	۴,۵۰	۳,۰۰	۲,۹۰	۴,۰۰	۴,۳۰	۳,۹۰
		جنسیت	۴,۶۰	۴,۵۰	۴,۷۰	۴,۵۰	۴,۱۰	۴,۰۰	۴,۲۰	۲,۱۰	۲,۰۰
آلیم ویژگی‌های آب و هوایی		رطوبت	۴,۱۰	۴,۰۰	۴,۰۰	۴,۰۰	۲,۹۰	۳,۰۰	۴,۰۰	۴,۱۰	۴,۰۰
		بارش	۴,۵۰	۴,۶۰	۴,۷۰	۳,۹۰	۴,۰۰	۴,۳۰	۳,۹۰	۴,۲۰	۴,۲۰
		تابش	۳,۹۰	۳,۲۰	۳,۹۰	۳,۰۰	۳,۳۰	۴,۰۰	۳,۰۰	۳,۰۰	۴,۵۰
		وزش باد	۳,۰۰	۳,۱۰	۳,۰۰	۴,۱۰	۳,۹۰	۴,۱۰	۳,۱۰	۴,۱۰	۴,۵۰
موقعیت جغرافیایی		توپوگرافی	۳,۱۰	۳,۰۰	۳,۱۰	۳,۰۰	۲,۰۰	۲,۰۰	۴,۱۰	۴,۱۰	۴,۰۰
		ارتفاع از سطح دریا	۲,۰۰	۲,۱۰	۲,۰۰	۳,۱۰	۳,۱۰	۳,۴۰	۴,۵۰	۴,۵۰	۴,۵۰
معماری بومی		یکسویه‌ی برون‌گرا	۲,۲۰	۳,۰۰	۲,۲۰	۳,۰۰	۴,۰۰	۴,۲۰	۴,۵۰	۴,۲۰	۴,۲۰
		عناصرمعماری بومی	۳,۳۰	۴,۱۰	۳,۰۰	۳,۱۰	۴,۰۰	۴,۵۰	۴,۷۰	۴,۷۰	۴,۷۰

تحلیل یافته‌ها

فضاهای آیینی، نماد تفکر پیروان یک مذهبند؛ شیعیان ایران از دوره‌ی صفویه نسبت به ساخت تکایا و حسینیه‌ها که ویژه‌ی برگزاری مراسم مذهبی شیعیان است، با توجه به تأثیرات آیینی و مذهبی، بیش‌تر توجه کردند و این بناها به جلوه‌گاه عینی و هنری آیین شیع تبدیل شدند. نتایج پژوهش به‌صورت کلی، بر نقش پررنگ‌تر "معیارهای فرهنگی- اجتماعی" (۳/۹۲) نسبت به "معیارهای اقلیم" (۳/۶۰) در معماری بومی تکایای مازندران تأکید داشته است.

«آیین و مذهب» از زیرمعیار فرهنگی اجتماعی، دارای امتیاز بالاتری نسبت به سایر زیرمعیارها در تکایای تاریخی (۴/۶۰) و معاصر (۳/۹۵)، از نظر خبرگان بود. مردم مازندران پس از شهادت امام رضا(ع)، امام‌زادگان و سادات شیعی را در کوهستان‌های مازندران پناه دادند و نخستین عزاداری در عراق و ایران در دوره‌ی دیلمیان(حاکمان شمال ایران) صورت گرفت. در دوران صفوی و با رسمیت‌یافتن مذهب شیعه و ارج‌نهادن به آیین‌های عزاداری، معماری آیینی تکایای تاریخی مازندران خلق شد. در دوره‌ی معاصر و انقلاب اسلامی و صدور فتوای مثبت‌هی علمای شیعه و فقیهان برای مراسم تعزیه و عزاداری، این روند، در تکایای معاصر مازندران سیر تکاملی داشته است. بر اساس نظر خبرگان «آیین و مذهب» در شکل‌گیری معماری تکایای تاریخی مازندران مؤثرتر از تکایای معاصر بوده است.

«عقاید و باورها» از زیرمعیار فرهنگی اجتماعی، طبق نظر خبرگان امتیاز بالایی را در تحلیل‌ها داشت. هنرهای تجسمی، تزیینات عامیانه و نقاشی‌های فولکلور، منبت‌کاری و نقوش انتزاعی، اساطیری، حماسی، نمادها، نگاره‌ها می‌توان به ارتباطشان با باورهای عامیانه، اعتقادات مذهبی و ذائقه‌ی مردم مازندران، پی برد. موضوع این تزیینات عبارت‌اند از: قصص قرآنی، زندگی ائمه‌ی اطهار و پیامبران، فرشتگان الهی، حوادث عاشورایی، رستاخیز، معراج، شهادت و آزادگی که منطبق با باورها و اعتقادات مردمی می‌باشد، به‌صورت تصاویری ساده و صادقانه ترسیم شد. این حضور را می‌توان در همه‌ی وجوه زندگی مردم آن عهد مشاهده کرد. اساساً باورهای عامیانه و اعتقادات مذهبی همواره در ایران‌زمین، چه در ایران باستان با مهرپرستی(آناهیتا- ایزد بانوی آب)، دین زرتشتی و مزدایی و چه در ایران اسلامی، نقش اصلی را در پی‌ریزی فرهنگ و هنر ایرانی ایفا کرده است. همچنین بررسی‌ها نشان داد این زیرمعیار امتیاز بالاتری را در تکایای معاصر نسبت به تکایای تاریخی به خود اختصاص داده است.

«روابط اجتماعی» از زیرمعیار فرهنگی اجتماعی، دیگر زیرمعیاری بود که در تحلیل‌ها مورد بررسی قرار گرفت. طوایف روستاهای کوهستانی لاریجان از منطقه‌ی بیلاقی جنوب مازندران به علت سرمای شدید در فصل زمستان به قسمت دشت و جلگه‌ای در منطقه‌ی قشلاقی شمال مازندران برای کشاورزی و کشت برنج مهاجرت کردند. هر طایفه در منطقه‌ای مستقر شدند و محله‌ای در بافت قدیم ایجاد کردند. با برپایی تکیه به نام طایفه، محله‌ها هویت یافته‌اند. فرهنگ مردم مازندران محصول رابطه‌ی اجتماعی آنان است که تداوم روابط اجتماعی این مردم، باعث تقویت ارزش‌ها شده است. در تکایای تاریخی، فضایی خاص برای پیرمردان، بزرگان حکومتی، به‌عنوان "پیر نشین" تعبیه می‌شد و در سقانفارها فضایی برای عزاداری جوانان در نظر گرفته می‌شد که تعداد پله‌های متعدد دسترسی به تکایای تاریخی و سقانفار، اثبات تأثیر این کاربر در عناصر معماری است. در تکایای تاریخی مازندران، فضای مستقل برای زنان در نظر گرفته نشده است و این فضاهای متمایز برای کاربر فضا(زن و مرد) در تکایای معاصر بیش‌تر دیده شده است.

«جایگاه سیاسی» از زیرمعیار فرهنگی اجتماعی، مورد دیگری بود که در تحلیل‌ها مورد بررسی قرار گرفت. عوامل اجتماعی و عاملان حکومتی یکی از مهم‌ترین معیارهای تأثیرگذار در هر دوره-ی تاریخی بر ساخت فضاهای آیینی هست.

تکایای دولت نهاد، دارای تزیینات و عناصر نمادین بیش‌تر و ابعاد بزرگ‌تر، نسبت به تکایای مردم‌نهاد بوده‌اند. تکایای مردم‌نهاد بر اساس طوایف قومی و قبیله‌ای ساخت و اداره می‌شد. تکایای حکومت نهاد معمولاً تک بنایی و یک‌سویه‌ی برون‌گرا و در تکایای مردم‌نهاد با رعایت اصل وحدت در کثرت، عناصر معماری در کنار هم به‌صورت حیاط مرکزی و دوسویه‌ی برون‌گرا-درون‌گرا می‌باشند.

نتایج تحلیل "معیارهای اقلیم"، از دیدگاه خبرگان، اهمیت زیرمعیارهای «موقعیت جغرافیایی»، «ویژگی‌های آب و هوایی» و «معماری بومی» را در معماری بومی تکایای مازندران نشان داد.

«معماری بومی»، از زیرمعیار اقلیم از نظر خبرگان بالاترین امتیاز (۴/۳۰) را در تکایای تاریخی و پایین‌ترین امتیاز (۲/۱۰) را در تکایای معاصر داشت. خصوصیات کلی فرم ابنیه‌ی سنتی منطقه شامل برون‌گرایی ساختمان‌ها، ایجاد فاصله میان کف ساختمان و سطح زمین و استفاده از تهویه و کوران باد، با ایجاد فاصله بین ساختمان‌ها می‌باشد. همچنین به‌منظور برقراری و تداوم وزش بادهای و هوای تازه در فضای داخلی و نیز جذب گرما و آفتاب از فضای باز و نیمه‌باز استفاده گردیده است.

ابنیه‌ی سنتی متأثر از اقلیم، به جهت برخورداری از نور مناسب و تهویه دارای کشیدگی در راستای شرقی- غربی هستند. با مطالعه جهت شمال در تکایای تاریخی می‌توان دریافت که پدیده- های اقلیمی آن‌چنان در معماری تکایا مؤثر نبوده است و به نظر می‌رسد محل جانمایی تکایای تاریخی تحت تأثیر سایت، موقعیت قرارگیری بقاع، مسجد، سقنفار و ورودی اصلی نسبت به گذر اصلی در محله ساخته شده است. اکثر تکایای معاصر مازندران به صورت حیاط مرکزی و دوسویه- ی برون‌گرا- درون‌گرا می‌باشند. به طوری که عناصری مانند مسجد، حسینیه، سقاخانه، عباسیه در دورتادور حیاط قرار گرفته‌اند. معماری بومی تکایای تاریخی با تأثیر از آیین محرم، صحنه‌های گرد عزاداری، تعزیه و مشارکت زنان با استفاده از فضاهای خالی و باز پیرامونی تکایای تاریخی دگرگون گردیده است.

«موقعیت جغرافیایی» از زیرمعیار اقلیم معیار دیگری بود که مورد بررسی قرار گرفت. ارتفاع از سطح دریا، ویژگی‌های آب و هوایی شامل دمای روزانه، رطوبت نسبی، بارش (سرما)، سرعت باد، تابش (گرما) نقش اساسی در معماری بومی دارند و تقسیمات تکایای مازندران در تناسب با اقلیم، به نواحی «کم‌ارتفاع - ساحلی»، نواحی «نیمه مرتفع» کوهپایه‌ای و نواحی «مرتفع» کوهستانی تفکیک شدند. معیارهای اقلیم بر اساس توپوگرافی مازندران در بین نواحی شمالی (ساحل دریای خزر) و در منطقه‌ی جنوبی (رشته‌کوه البرز) به شدت قابل تغییر است. در مناطق میانی (کوهپایه‌ای) شرایط بارش و طبیعت جنگلی، معیارهای تأثیرگذار بر معماری بومی تکایا هستند. در نوار ساحلی دریای خزر تا خط هم‌ارتفاع ۲۰۰ متر از سطح دریاهای آزاد به دلیل دمای بالای هوا و رطوبت نسبی بالا (غالباً بالای ۷۵٪) شرایط شرجی بر منطقه حاکم می‌باشد. در مناطق شهری، بارش و رطوبت به عنوان عوامل اصلی اقلیمی نقش ایفا می‌کنند. در چنین شرایط اقلیمی، توپوگرافی و ارتفاع از سطح دریا نقش تعدیل‌کننده‌ی خود را ایفا نموده و با افزایش ارتفاع به طور محسوسی بر معیارهای اقلیمی اثر می‌گذارند.

«ویژگی‌های آب و هوایی» از زیرمعیار اقلیم، از نظر خبرگان دارای تأثیر بر تکایای تاریخی و معاصر مازندران هستند. اقلیم مازندران، از برهم‌کنش دو عامل اصلی کوهستان و دریا و عوامل فرعی مانند جنگل، رودخانه و دشت به وجود آمده است. از ویژگی‌های این اقلیم، رطوبت زیاد هوا و اعتدال درجه‌ی حرارت آن است. پلان تکایای تاریخی فیروزکلا، هندوکلا و اوجی‌آباد، مستطیل شکل است. به دلیل رطوبت و نم منطقه، تکایا معمولاً بر روی یک کرسی به ارتفاع یک

متر (کرسی‌دار)، و سقف‌های آن‌ها شیب‌دار (شیروانی) است. این نوع پوشش با شیب‌های مختلف باعث عبور آسان حجم فراوان و آب باران از روی بنا می‌شود.

نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، شناخت و بررسی عوامل مؤثر بر معماری بومی تکایای مازندران و به‌طور خاص ارزیابی معیارهای فرهنگی اجتماعی و اقلیم در نمونه‌های مورد مطالعه تعیین شد. در راستای پژوهش سعی شد، ارائه‌ی مدل تحلیلی در جهت شناخت و دسته‌بندی معیارهای مذکور صورت گیرد، برای رسیدن به این مدل، از طیف لیکرت در نمونه‌های موردی استفاده شد. برای دستیابی به این منظور نخست وزن‌دهی، اولویت‌بندی معیارهای مؤثر و زیرمعیارهای معماری بومی تکایای مازندران با استفاده از نظریات خبرگان و مقایسات زوجی انجام شد، سپس این معیارها در جامعه‌ی نمونه، مورد ارزیابی قرار گرفت.

در راستای پاسخ به پرسش اول پژوهش، معیارهای تاثیرگذار بر معماری بومی تکایای مازندران: "معیار اقلیم" و "معیار فرهنگی اجتماعی" شاخص گردید. طبق یافته‌های پژوهش، معیار و زیرمعیارهای مؤثر بر معماری بومی تکایای مازندران در مدل طیف لیکرت در دو معیار و هفت زیرمعیار دسته‌بندی شد. نتایج به‌دست‌آمده مشخص کرد که از میان دو معیار اصلی مورد مطالعه، "معیار فرهنگی اجتماعی" دارای اهمیت بیش‌تری نسبت به "معیار اقلیم"، در معماری بومی تکایای مازندران از نظر خبرگان است.

در راستای پاسخ به پرسش دوم پژوهش، با بررسی زیرمعیارهای فرهنگی اجتماعی نیز مشخص شد: "آیین و مذهب"، "عقاید و باورها"، "جایگاه سیاسی" و "روابط اجتماعی" به ترتیب بیش‌ترین اهمیت را در میان "زیرمعیارهای فرهنگی اجتماعی" در شکل‌گیری معماری بومی تکایای مازندران دارند. همچنین در خصوص "زیرمعیارهای اقلیم" نیز نتایج مشخص کرد «معماری بومی»، «ویژگی‌های آب و هوایی» و «موقعیت جغرافیایی» به ترتیب دارای بیش‌ترین اهمیت می‌باشند.

در بررسی نمونه‌ها مشخص شد که تکایای تاریخی مازندران (یک‌سویه - برون‌گرا) در دوران صفوی و قاجار با گسترش برگزاری آیین محرم و ساختار قدرت توسط سرداران حکومتی (تکایای حکومت‌نهاد) احداث گردید. تکایای تاریخی همساز با اقلیم (عوامل مادی) بر روی کرسی به ارتفاع یک متر و سقف شیب‌دار که می‌بایست مطابق معماری اقلیمی با کشیدگی افقی در پلان به‌صورت شرقی- غربی و نورگیری پنجره‌ها و کوران باد شمال- جنوب به‌صورت یک‌سویه‌ی

برون‌گرا ساخته می‌شدند، بیش‌تر تحت تأثیر مراسم آیینی (تعزیه) بوده‌اند. عوامل اقلیمی و محوریت شمال-جنوب تأثیر کم‌تری داشته است.

تکاپای معاصر (دوسویه‌ی برون‌گرا- درون‌گرا) همساز با فرهنگ (عوامل غیر مادی- معنوی) بر اساس عقاید و باورها، روابط اجتماعی، جنسیت (فضاهای خصوصی زنانه-مکتب‌خانه‌ی زنانه) توسط مردم (تکاپای مردم‌نهاد) احداث شد. این فضاهای آیینی به نام‌های فاطمیه، زینبیه، عصمتیه در کنار ابوالفضل‌ی و حسینیه (فضاهای عمومی- مردانه) ساخته شد و تکاپای تاریخی به مرور زمان در دو اقلیم کوهستان (بیلاق) در جنوب، منطقه‌ی دشت و جلگه‌ای (قشلاق) در شمال مازندران از لحاظ کالبدی و فرمی به‌صورت یک‌شکل شد و برخلاف اقلیم برون‌گرا بدون استفاده از تهویه و کوران باد و نور به‌صورت حیاط مرکزی تغییر شکل و سیر تکاملی تحت تأثیر عوامل فرهنگی (غیر مادی-معنوی)، به فضای دوسویه‌ی برون‌گرا- درون‌گرا داشته‌اند.

معماری بومی تکاپای مازندران، حاصل رابطه‌ی طبیعت، اقلیم با فرهنگ، نیازهای فردی و اجتماعی است. تکاپای معاصر در اقلیم‌های گوناگون مازندران به‌صورت حیاط مرکزی و دوسویه-ی برون‌گرا- درون‌گرا، دیده می‌شود که "معیارهای فرهنگی اجتماعی" با زیرمعیارهای درهم‌تنیده-ی خود بر شکل‌گیری آن‌ها تأثیر بیش‌تری نسبت به "معیارهای اقلیم" داشته‌اند، به‌طوری‌که باوجود تفاوت محسوس شرایط اقلیمی (کوهستان مرتفع- جلگه‌های پست) شاهد هستیم که تکاپای مازندران با ویژگی‌های معماری بومی مشابه و همسان تکرار شده‌اند.

منابع

۱. الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۷) *زبان الگو: شهرها، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.*
۲. انصاری، مجتبی؛ اخوت، هانیه السادات و معصومه ملایی (۱۳۸۷) «بررسی عقاید مذهب شیعه بر ارتباطات فضایی مساجد شیعی»، *نشریه‌ی شیعه‌شناسی*، ۶(۲۳): ۱۷۴-۱۴۵.
۳. بزرگ‌نیا، زهره (۱۳۸۵) *تکیه‌ها و حسینیه‌ها*، تهران: نشر صوفیان.
۴. بمانیان، محمدرضا؛ غلامی رستم، نسیم و جنت رحمت‌پناه (۱۳۸۹) «عناصر هویت‌ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی (نمونه‌ی موردی خانه‌های رسولیان یزد)»، *مجله‌ی دوفصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی*، شماره‌ی ۱۳: ۶۸-۵۵.
۵. پاسدار شیرازی، مظفر و علیرضا صادقی (۱۳۹۴) «تأثیر باورها و مراسم آیینی در پایایی و پویایی فضاهای شهری، مورد پژوهی: تعزیه در پایایی حسینیه‌ها و تکایا در ایران»، *نشریه‌ی مدیریت شهری*، ۱۴(۳۸): ۳۳۲-۳۰۱.
۶. پرویزی، الهام (۱۳۸۸) «معماری ملی از دیدگاه هویت فرهنگی»، *فصل‌نامه‌ی مطالعات ملی*، شماره‌ی ۳: ۱۰۸-۸۲.
۷. توسلی، محمد (۱۳۷۹) *حسینیه‌ها، تکایا، مصلی‌ها*، در *مجموعه‌مقالات «معماری ایران دوره‌ی اسلامی»* به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: انتشارات سمت.
۸. جانباز قبادی، غلامرضا؛ مفیدی، عباس و آذر زرین (۱۳۹۰) «شناسایی الگوهای هم‌دید بارش‌های شدید زمستانه در سواحل جنوبی دریای خزر، *نشریه‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۰، شماره‌ی ۲، پیاپی ۴۲، ۴۲: ۴۰-۲۳.
۹. حسن‌پور، مرتضی و حسین سلطان‌زاده (۱۳۹۸) «تأثیر آیین تعزیه بر معماری بومی تکایای مازندران- طایفه‌ی اسک آمل»، *نشریه‌ی هنر اسلامی*، ۱۵(۳۴): ۲۹۵-۲۵۸.
۱۰. حسن‌پور، مرتضی و سیدعلی سیدیان (۱۳۹۴) «بررسی ساختار هویت‌بخش تکایا به عنوان معماری مقدس شیعه (نمونه‌ی موردی طراحی تکیه‌ی اسکو، شهر امام‌زاده عبدال... آمل)»، رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانش‌کده‌ی معماری، دانش‌گاه آزاد اسلامی واحد آیت‌الله آملی.

۱۱. حسینی، سید بهشید و نیلوفر ذوالفقار (۱۳۹۳) حلقه‌ی گمشده‌ی طراحی حسینیه‌های معاصر با تکیه بر نمود معماری و شهرسازی اسلامی در حسینیه‌های بزرگ و کوچک زواره، دومین کنگره‌ی بین‌المللی سازه، معماری و توسعه‌ی شهری، تبریز.
۱۲. خاک‌پور، مژگان و علی‌شیر احمدی (۱۳۹۰) «بررسی تأثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان»، نشریه‌ی مدیریت شهری، ۹(۲۷): ۲۴۶-۲۲۹.
۱۳. ذال، محمدحسن؛ علی‌شیر، میثم؛ و اسماعیل همتی ازندریانی (۱۳۹۴) «تداعی معانی و انتقال مفاهیم شیعی در معماری آیینی (مطالعه‌ی موردی سقافارهای آمل)»، فصل‌نامه‌ی علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ۶(۱۸): ۱۳۳-۱۵۴.
۱۴. ذوقی حسینی، الهه و نرجس خسروجردی (۱۳۹۲) معماری تکایای ایرانی: نشر طحان.
۱۵. راپاپورت، ایموس (۱۳۹۱) فرهنگ، معماری و طراحی، ترجمه‌ی مازیار برزگر و مجید یوسف نیایشا، ساری: انتشارات شلفین.
۱۶. رفیعی، زهرا (۱۳۹۰) «روند تحولات نغار در معماری بومی مازندران»، نشریه‌ی باغ نظر، ۱۹(۸): ۳۶-۶۴.
۱۷. رورده، همت‌اله؛ باعقیده، محمد و عباسعلی داداشی رودباری (۱۳۹۳) «بررسی اثر توپوگرافی بر پتانسیل اقلیم گردش‌گری (مطالعه‌ی موردی: استان مازندران)»، مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه‌ی گردش‌گری، ۳(۱۱)، پیاپی ۱۱، زمستان ۱۳۹۳، (۲۰۰): ۲۱۷-۲۰۰.
۱۸. سعیدی شاهاندشتی، ناصر (۱۳۹۱) جامعه‌شناسی تاریخی آمل: مقدمه‌ای بر آمل - شناختی، ساری: انتشارات ساغرسازان.
۱۹. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۲) روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، تهران: نشر آگاه.
۲۰. علیجانی، بابک (۱۳۸۴) مهر در ایران و باستان، تهران: ققنوس.
۲۱. قرخلو، مهدی؛ کلانتری خلیل‌آباد، حسین و محمد اسکندری نوده (۱۳۸۷) «بررسی دگرگونی در ساختار کالبدی و معماری روستاها و تشکیل روستا-شهر مورد: آلود و پرنده»، نشریه‌ی پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۶۵(۶۵): ۷۰-۵۳.
۲۲. کاظمی موسوی، احمد (۱۳۹۷) نگاهی به نهادهای سنتی و آیین‌های بومی ایران جستارهایی در حقوق، تاریخ و فرهنگ ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه.

۲۳. کیانمهر، قباد؛ انصاری، مجتبی؛ طاووسی، محمود و حبیب‌الله آیت‌اللهی (۱۳۸۴) «تأثیر ایدئولوژی صفویان بر منبت‌کاری دوران حکومت شاه طهماسب»، مجله‌ی علمی-پژوهشی دانش‌کده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانش‌گاه اصفهان، ۲(۴۰)، بهار: ۲۳۴-۲۰۳.
۲۴. گروتز، یورگ کورت (۱۳۸۶) *زیبایی‌شناسی در معماری*، ترجمه‌ی جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، چاپ چهارم، تهران: دانش‌گاه شهید بهشتی.
۲۵. لنگ، جان (۱۳۸۱) *آفرینش نظریه‌ی معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*، ترجمه‌ی علیرضا عینی‌فر، تهران: انتشارات دانش‌گاه تهران.
۲۶. مختاباد، سید مصطفی؛ حبیب، فرح و حمیدرضا شعاعی (۱۳۹۰) «گفتمانی تحلیلی در ماندگاری حسینیه‌ها به مثابه کنش‌پذیری عملکردی فضاهای عمومی شهری در بازتاب باورها و آیین‌های جمعی»، *نشریه‌ی مدیریت شهری*، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره ۲۸: ۲۵۴-۲۴۱.
۲۷. معطوفی، اسدالله (۱۳۹۴) *سیر تاریخی معماری ۶۰۰۰ ساله‌ی گرگان و استرآباد*، جلد دوم، چاپ اول، تهران: سفیر اردهال.
۲۸. ملازاده، کاظم و مریم محمدی (۱۳۸۱) *مدارس و بناهای مذهبی*، تهران: سوره مهر.
۲۹. موسوی کوهپر، سیدمهدی و محمدحسن ذال (۱۳۹۱) «تحلیل عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر معماری تکایا در مازندران»، *نخستین همایش ملی هنر تبرستان (گذشته و حال)*، دانش‌گاه مازندران.
۳۰. موسوی کوهپر، سیدمهدی؛ محمدی، محمدرضا و آناهیتا شاهرخی (۱۳۹۳) «هنر و معماری ایرانی در ابنیه‌ی اسلامی داغستان؛ مطالعه‌ی موردی: بررسی شباهت‌های هنری و معماری بومی مازندران با جنوب داغستان»، *نشریه‌ی پژوهش‌های ایران‌شناسی*، ۴(۲): ۱۲۲-۱۰۳.
۳۱. مومنی، کوروش و زهره مسعودی (۱۳۹۵) «رابطه فرهنگ و معماری (با بررسی موزه‌ی هنرهای معاصر تهران)»، *نشریه‌ی جلوه‌ی هنر*، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره‌ی ۱۵، ۴۲: ۸۲-۶۷.
۳۲. ناری قمی، مسعود (۱۳۹۵) «الگوهای کالبدی حسینیه‌ها: ریشه‌ها و تحولات»، *نشریه‌ی مطالعات معماری ایران*، ۵(۹): ۴۵-۲۵.
۳۳. نعمت طاووسی، مریم (۱۳۹۲) *فرهنگ نمایش‌های سنتی و آیینی ایران*، چاپ نخست، تهران: ناشر دایره.

۳۴. واسعی، سیدعلیرضا و زینب اسکندری (۱۳۹۲) «نقش زنان در بسط فرهنگ محرم و سوگواری در عصر ناصری»، *نشریه‌ی تاریخ اجتماعی*، ۳(۱): ۱۱۵-۱۳۲.
۳۵. ورمقانی، حسنا؛ سلطانزاده، حسین و مزین دهباشی شریف (۱۳۹۴) «رابطه‌ی جنسیت و فضا در عرصه‌های خصوصی و عمومی دوره‌ی قاجار»، *نشریه‌ی باغ نظر*، ۳۷(۱۲): ۲۹-۴۰.
۳۶. یزدان‌فر، سیدعباس؛ حسینی، سیدباقر و مصطفی زرودی (۱۳۹۲) «فرهنگ و شکل خانه (مطالعه‌ی موردی: خانه‌های سنتی شهرستان تنکابن و رامسر)»، *نشریه‌ی مسکن و محیط روستا*، ۳۲(۱۴۴): ۱۷-۳۲.

37. Avcioglu, N.(2007)Identity –as-torm: **The masque the west, cultural analysis**, California.

38. Kultur, Sinem(2012)**Role of culture in sustainable architecture**, Bahcesehir University, Turkey.